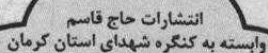


تک‌شای تو از دور دست

برایتی از زندگی شهید محمود انجم‌شعاع

نویسنده:

مهدی زارغ



عنوان: تماشای تو از دور دست / روایتی از زندگی شهید محمود انجم علی

طراحی و صفحه آرایی: مؤسسه امید کویر / چاپ پر نیان قم

انتشارات: شہد حاج قاسم سلیمانی

قیمت: ۲۶۰/۰۰۰ ریال

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

آدرس: کرمان خیابان مصلی، مرکز حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس سپاه ثارالله
تلفن: ۳۲۷۱۷۷۱۱-۰۳۴ پست الکترونیکی: Hajghasem1334@gmail.com

یادداشت دوم: ۵۵:

محمد انجم شماع می‌گوید مادرش بعد از شنیدن شهادت محمود گریه نکرد. همه بغض و دردش را در خودش ریخت. ساکت ماند و در نهایت از حال رفت. هنوز که هنوز است هر جا کسی از محمود حرف بزند و مادر بشنود، از حال می‌رود.

این مطلب را به این دلیل که در ناسبندی این روایت جای نمی‌گرفت، در ابتدای یادداشت‌م آوردم. چون تاثیر هیچ مادری را در رشد و شرفایی فرزندش نمی‌شود ندیده گرفت و حسرت می‌شد برایم اگر جایی به این رفیع‌نخ که هنوز بعد از سال‌ها همراه این مادر است، اشاره نکنم.

این کتاب روایت حیرت و ناباوری دو نفر از رزمندگان تیپ ۶۱ ثارالله کرمان که آن‌زمان هنوز لشکر نشده بود؛ از مسیر رشد و شهادت محمود انجم شماع است. کسی که در نوجوانی فرماندهی گردان تخریب تیپ ثارالله را بر عهده داشته و در عملیات فتح‌المبین به درجه رفیع شهادت نائل آمده.

محمد انجم شماع برادر بزرگ‌تر محمود دوران کودکی تا نوجوانی او را بارها مرور کرده و امان‌الله فلاح، آشنایی تا شهادتش را، هیچ‌کدام انتظار نداشتند خبر شهادت

محمود انجم شعاع را بشنوند و از شنیدن خبر در روز اول عملیات فتح‌المبین حیران مانده‌اند.

بعد از خواندن متن مصاحبه‌هایی که درباره شهید گردآوری شده بود به این نتیجه رسیدم مسیر زندگی کوتاه ایشان به عنوان فردی که در خانواده‌ای عادی رشد کرده و حوادث انقلاب را گذرانده و نهایتاً در جنگ تحمیلی به شهادت رسیده می‌تواند نمونه‌ای باشد از مسیر بسیاری از شهیدان. لذا تلاش کردم محوریت مصاحبه‌های تکمیلی به جزئیاتی در این مسیر معطوف باشد.

جا دار از آقای محمد انجم شعاع و امان‌الله فلاح و دیگرانی که پاره‌خاطراتی از آن‌ها برای تحمیل روایت استفاده شد، بابت حدود بیست ساعت وقتی که برای مصاحبه در اختیارم قرار دادند تشکر کنم. همچنین از همه دوستان ارجمندی که شرایط برقراری ارتباط با این عزیزان و فرصت و امکانات جلسات مصاحبه را فراهم کردند، تشکر می‌کنم.

در پایان لازم می‌دانم بیان کنم از آنجا که در دنیای واقعی مرور خاطرات، نیازمند دلیل است؛ در شیوه روایت هر دو راوی را در وضعیت زمانی نخستین آگاهی به شهادت محمود انجم شعاع فرض کرده و حیرت و سردرگمی ایشان را بهانه‌ای برای مرور خاطرات قرار دادم. لذا تنها اطلاعاتی که آن‌روز درباره شهیدان بهرامون شهید داشتند، مورد استفاده قرار گرفته.

همچنین به این دلیل که روایت خطی ماجرأ موجب می‌شد خاطرات به گونه‌ای که قبل از اعزام به جبهه و بعد از اعزام تقسیم شود که هر کدام می‌توانست چند راوی مستقلی داشته باشد، برای ایجاد جذابیت روایی، خاطرات را یک‌درمیان و با دو راوی نوشته‌ام.

مهدی زارع